

عنوان:

علل و آثار غیبت امام زمان از دیدگاه امیرالمومنین

نگارش:

صفورا میرزایی

حوزه:

نورالهدی

چکیده

اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی افراد در جهان هستی تاثیر زیادی در مسئله غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد به خاطر همین باید در اعمال و رفتار خود دقت داشته باشیم و برای ظهور آن حضرت دعا کنیم.

کلیدواژگان:

امام زمان، غیبت، اسلام، ظهور، آثار، تشیع.

مقدمه

در مورد اصل قیام مهدی علیه السلام اخبار فراوانی از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که در کتابهای معروف هر دو فرقه ثبت است؛ اما درباره رمز وجود آن حضرت در حال غیبت نمی توان به عنوان یک سلسله دلایل قطعی در این مسأله اسرارآمیز، روی آنها تکیه کرد به خصوص اینکه گاه می شود انسان مطالبی را درک می کند ولی در بیان، به طور کامل نمی گنجد. با همه این تفاسیر که ما به عدم اطلاع کامل از سر حقیقی غیبت امام زمان (عج) اذعان می کنیم، لیکن می توان وجوهی را ذکر کرد تا حدود قابل توجهی از اسرار این مسأله تبیین شود.

اگرچه در تمامی ادیان و مکاتب الهی و غیرالهی در زمینه ظهور مصلح و منجی جهانی کم و بیش مطالبی به چشم می خورد ولی بر اساس دلیل های متقن و معیارهایی قابل اعتماد، این حقیقت به اثبات رسیده است که کامل ترین و قابل اعتمادترین اطلاعات در مورد شخصیت و ابعاد گوناگون زندگی موعود جهانی مانند: تولد،

غیبت، ظهور، حکومت و ... آن حضرت در روایت‌های اهل بیت (ع) آمده است. بدین منظور در این مجال، سعی شده مسأله‌ی غیبت منجی عالم بشریت و علل و آثار آن از میان کلمات و رهنمودهای امیرالمؤمنین (ع) به نحو اختصار مورد بررسی قرار گیرد تا از این رهگذر بتوانیم با بخشی از وظایف و مسئولیت‌های مهمی که در دوران غیبت بر عهده‌ی ماست آشنا شویم. آن‌گاه از طریق عمل به این تکالیف موفق به قرار گرفتن در زمره‌ی منتظران واقعی شویم و در آهنگ زمینه‌سازی برای ظهور موعود جهانی شرکتی فعال داشته باشیم. انشاءالله.

فصل اول: غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

امام علی بن ابیطالب (ع) در چند مرحله مسأله‌ی غیبت حضرت مهدی را با زمینه‌سازی حساب شده و منسجمی مطرح می‌کند. این کار به صورت تصادفی انجام نگرفته است بلکه آن امام با توجه به ظرفیت و کشش فکری افراد و شیوه‌های صحیح آموزشی و با در نظر گرفتن سیر طبیعی و خارجی وقایعی که در آینده پیش خواهد آمد صورت می‌گیرد. مولی‌المتقین (ع) این چنین به تبیین و تشریح مراحل می‌پردازند:

مرحله اول:

آن حضرت با صراحت به ضرورت وجود حجت الهی در روی زمین و بلکه کل نظام عالم هستی اشاره می‌کند، می‌فرماید:

« ... لا تخلو الارض من اللقائم لله بحجه إما ظاهراً مشهوراً و اما خائفاً مغموراً؛ هرگز زمین از حجت الهی که با دلیل و برهان برای حاکمیت بخشیدن به احکام و ارزش‌های دینی قیام نماید، خالی نخواهد بود. حجت خدا عالم یا به صورت شناخته شده آشکار - مثل یازده امام (ع) - در میان مردم زندگی می‌کند و یا در اثر فراهم نبودن

شرایط مناسب به طور پنهان و ناشناخته به سر می‌برد.» (نهج البلاغه (گردآوری، السید الشریف الرضی)، [طبق نسخه‌ی فیض الاسلام].

حضرت علی(ع) در روایت دیگری پس از اشاره به ضرورت وجود امام معصوم(ع) در روی زمین و تبیین مسئولیت‌های او، می‌فرماید: حجت خدا گاهی به صورت علنی به طوری که همه او را می‌شناسند در میان مردم حضور دارد. اما به دلیل فراهم نبودن شرایط، زمام امور را در دست ندارد، گاهی نیز به دلایلی به اراده‌ی خدای متعال از دیده مردم پنهان می‌شود. در چنین مواقعی آنان در انتظار به سر می‌برند. توجه به این نکته ضروری است که در دوران غیبت گرچه جسم امام(ع) به علت وجود خطرات و یا مصالحی دیگر از دید مردم نهان است، ولی دانش او بر مردم مخفی نیست و همه از آن اطلاع دارند. آداب، احکام و تعالیم او در قلب و جان انسان‌های مؤمن، استوار و پا برجاست و مردم بر اساس تعالیم و رهنمودهای او زندگی می‌کنند. (کلینی، [ثقه الاسلام] محمد بن یعقوب، اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۱۳).

مرحله دوم:

امیرالمؤمنین(ع) ضمن معرفی آخرین حجت الهی اصل مسأله‌ی غیبت آن حضرت را بیان می‌کند. از اصبع بن نباته نقل شده است که می‌گوید: روزی من حضور علی بن ابیطالب(ع) رسیدم، آن حضرت را غرق در اندیشه دیدم، در حالی که با حالت اندیشه به زمین خیره شده بود و تکه چوبی را بر زمین فرو می‌کرد، عرض کردم: یا امیرالمؤمنین مگر اتفاقی افتاده است؟ چرا در حال تفکر هستی و به زمین خیره شده‌ای؟ آیا میل و رغبت شما به دنیا باعث شده است که چنین حالتی داشته باشی؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: نه به خدا سوگند نه به زمین میل دارم و نه هیچ روزی دنیا را دوست داشته‌ام، اما درباره‌ی فرزندی که بعدها از نسل من به دنیا خواهد آمد فکر

می کردم، او یازدهمین فرزند من است، او مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف-، اهل بیت است که زمین را پس از پر شدن از ظلم، ستم و تباهی با عدل و داد پر خواهد ساخت. اما پیش از آن برای او یک دوره ی غیبت است که عده زیادی از مردم در این دوره از حق و صراط مستقیم منحرف می شوند. (مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۸، ح ۱۸).

مرحله سوم:

اما علی (ع) طولانی بودن دوره ی غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مشکلات و گرفتاری های آن را خاطر نشان می کند. وی می فرماید: [در دوره ی غیبت] بسیاری از مردم گمان خواهند کرد که حجت الهی از دنیا رفته و امامت پایان پذیرفته است، ولی سوگند به خدا در چنین دوره ای حجت خدا در بین مردم است و در کوچه و بازار و در میان آنان رفت و آمد می کند، در منزل و کاخ های مردم آمد و شد دارد. غرب و شرق زمین را در می نوردد، حرف های مردم را می شنود. به مردم سلام می کند. آنان تا زمان معینی که خداوند مقرر کرده است قادر به دیدن آن حضرت نخواهد بود. (مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۸، ح ۷۰).

مولای متقیان (ع) به مناسبتی دیگر در این باره می فرماید: دوره ی غیبت امام مهدی (عج) به قدری طولانی است که انسان های بی خبر از مصالح و حکمت های الهی از ظهور آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مأیوس خواهند شد و در اثر ناامیدی از ظهور منجی عالم بشریت حتی این جمله را به زبان خواهند آورد: «الله فی آل محمد (ع) حاجه ...» خدای عالم نیازی به آل محمد (ع) ندارد. یعنی اگر از آل محمد (ع) کسی در روی زمین بود تاکنون باید قیام می کرد و به این نابسامانی و بی عدالتی و جور و ستم ها پایان می داد. (مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۹، ح ۱۹).

مگر پس از یک دوران سخت حیرانی و سرگردانی که در آن شرایط کسی جز افراد خالص و پاکیزه که یقین را با تمام وجود خود لمس کرده باشند در پای‌بندی به دین، استوار و پا برجا نخواهند ماند. پروردگار عالم از چنین کسانی که با وجود آن همه نابسامانی در دین ثابت‌قدم‌اند برای ولایت ما پیمان گرفته و در دل‌های آنان ایمان را تثبیت کرده و با عنایات خاصی که به آنان دارد مورد تأییدشان قرار داده است.» (صدوق، [الشیخ] محمدبن علی بن بابویه القمی، اکمال‌الدین و اتمام النعمه، ص ۳۰۴).

آن حضرت در روایت دیگر با تشبیهی محسوس سختی دین‌داری را در دوران غیبت ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «صاحب‌الأمر دوره‌ی غیبتی دارد که در آن زمان هر کس که به دین خود چنگ زند و بر آن استوار باشد همانند کسی است که با دست خود بخواهد بوته‌های خار را بکند [براستی چه کسی می‌تواند با دست خود بوته‌های خار را لمس کند؟!].» (مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱، ۱۳۵).

امیرالمؤمنین (ع) در یکی از روایت‌ها پس از اشاره به سختی‌های دوره‌ی غیبت از نظر پای‌بندی به احکام دین، تصریح می‌کنند که همه‌ی این پیش‌آمدها به منظور امتحان و آزمایش انسان‌هاست تا میزان تقوی و ایمان آنان معلوم گردد، چرا که به یک تعبیر هدف از خلقت جهان، امتحان انسان است. آن حضرت می‌فرماید: «برای صاحب این امر دوره‌ی غیبتی است که باید افراد در چنان شرایطی تقوای الهی را پیشه کنند، به دین و احکام و مقررات آن پای‌بندی باشند» «آن‌گاه آیه‌ی: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِ الْبَاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ...» (۱۶) البقره، ۲/۲۱۴ را تلاوت کرد. (مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵).

یعنی آیا گمان کردید بی‌آنکه روی دادهایی که برای گذشتگان پیش آمده برای شما پیش آید داخل بهشت می‌شوید؟ همان گذشتگانی که آن‌چنان دچار گرفتاری‌ها و مشکلات شدند که حتی پیامبر و افرادی که به او

ایمان آورده بودند با خود می گفتند: پس نصرت و یاری خدا چه زمانی فراخواهد رسید؟ آن گاه به آنان گفته شد یاری خدا نزدیک است. با این بیان امام علی(ع) تذکر می دهند که سنت دائمی خدا یعنی امتحان بشر در همه‌ی زمان‌ها جریان دارد و تمام پیش آمدهای دوران غیبت نیز در این راستاست.

۳- تردید در وجود امام زمان (ع)

یکی از روی دادهای بسیار تلخ عصر غیبت که در اثر نابسامانی‌ها و شیوع فساد و بی عدالتی پدید می آید این است که مردم آن چنان دچار یأس و ناامیدی خواهند شد که در اصل وجود امامی معصوم در چنین شرایطی بر روی زمین شک خواهند کرد و با خود خواهند گفت: اگر در روی زمین حجتی از حجت‌های الهی وجود داشت در مقابل هر ظلم و ستمی که انجام می گیرد ایستادگی می کرد و نسبت به بر طرف کردن آن اقدام لازم را به عمل می آورد.

امیرالمؤمنین(ع) به این مسأله این گونه اشاره می نماید: «موقعی که امام غایب که از فرزندان من است در پس پرده‌ی غیبت قرار گیرد ... اکثر مردم دچار این توهم خواهند شد که حجت خدا از بین رفته و امامت به پایان رسیده است، اما سوگند به خدایی که علی را آفریده است در چنین روزی حجت خدا در میان آنان حضور دارد ...» (نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه، ص ۷۲).

مولای متقیان(ع) در روایتی دیگر می فرماید: «صاحب الأمر از فرزندان من است. در دوره‌ی غیبت او مردم خواهند گفت: وی [صاحب الأمر] از دنیا رفته، چرا که اگر زنده است پس کجاست؟ [در مقابل این همه ستم و بی عدالتی و ... عکس العملی نشان نمی دهد]». (مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۴، ح

(۱۱)

علاوه بر موارد مذکور نشانه‌هایی دیگری نیز برای غیبت امام عصر (عج) ذکر شده است: در این دوره مردم از

یکدیگر برائت خواهند جست. (مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۱، ح ۵).

مردم بی‌پناه خواهند شد و جای امنی پیدا نخواهند کرد. (نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه، ص ۲۹۱، ۲۹۲).

مردم به نزاع با یکدیگر و آب دهان انداختن به صورت همدیگر خواهند پرداخت. (متقی الهندی، علی بن

حسام‌الدین، کنز العمال، ص ۵۸، ح ۱۴).

نتیجه‌گیری:

در وقوع امر غیبت، امور زیادی از جمله عمل‌کردهای مردم بسیار مؤثر بوده است، لذا یکی از راه‌های مهم فراهم‌سازی زمینه‌ی ظهور، تجدیدنظر در اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی جامعه اسلامی است. هم‌چنین غیبت، هرگز به معنای عدم حضور امام (عج) در میان مردم نیست بلکه آن حضرت در بین مردم حضور دارد و ناظر اعمال و رفتارهای آنها می‌باشد و از مشاهده اعمال نیک آنان خشنود و از دیدن ناراحتی‌ها و رفتارهای نامناسب آنها متأثر می‌شود.

در دوران غیبت گرفتاری‌های سخت و پیش‌آمدهای ناگوار زیادی متوجه مردم می‌شود که همه‌ی آنها باید امتحان الهی تلقی شود چرا که خدا از این طریق افراد صالح و غیرصالح را از هم جدا خواهد ساخت.

در دوره‌ی غیبت خطرات زیادی متوجه دین و اعتقادات مردم خواهد شد که راه نجات از این پیش‌آمدهای مهلک پایبندی به احکام و مقررات دینی و تبعیت از رهنمودهای روشن‌گرانه‌ی اهل‌بیت (ع) و رعایت تقوای الهی است.

منابع:

- (١) قرآن مجید.
- (٢) نهج البلاغه (گردآوری، السيد الشریف الرضی)، [طبق نسخه ی فیض الاسلام، ناشر: موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹]
- (٣) الکافی، ثقة الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی، مع تعلیقات نافعة مأخوذة من عدة شروح، تصحیح، مقابله و تعلیق علی اکبر الغفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۸ جلد، چاپ اول ۱۳۵۰
- (٤) مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ناشر: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ه.ق.
- (٥) بشارة الاسلام، مصطفی بن ابراهیم کاظمی، محقق: نزار حسن، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۹
- (٦) السید مصطفی ال سید حیدر کاظمی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، حکمت، ۱۳۷۶
- (٧) صدوق، [الشیخ] محمد بن علی بن بابویه القمی، اکمال الدین و اتمام النعمه، ص ۳۰۳.
- (٨) طوسی [الشیخ] محمد بن حسن، الغیبه، دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
- (٩) مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ناشر: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ه.ق.
- (۱۰) مجلسی، [العلامه] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱، ۱۳۵.
- (۱۱) متقی الہندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، مؤسسۃ الرسالۃ الطبعة: الطبعة الخامسة، ۱۴۰۱ھ/۱۹۸۱م.